

شاخص‌های نو شهرسازی با تأکید بر فشردگی، بازآفرینی بافت قدیم و پیاده‌مداری مطالعه موردی: شهر مراغه

امید مبارکی^۱، پروانه امیر حسینی^۲

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۱/۰۲، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

چکیده

جنبش نو شهرسازی، تلاشی برای ارتقای شهرسازی سنتی، برای انطباق با زندگی مدرن امروز و پیچیدگی روزافزون اقتصادی آن می‌باشد این جنبش در قرن بیستم پا به عرصه وجود گذاشت و اخیراً در دهه اخیر مورد توجه مسئولان و کارشناسان شهرسازی در کشورمان قرار گرفته است. مشخصه اصلی این نگرش شهرسازی، انسان‌گرا بودن و برجسته کردن نقش انسان در شهر امروزی است. به همان صورت که در گذشته دیده می‌شد. هدف از این تحقیق ارزیابی شاخص‌های نو شهرسازی با تأکید بر فشردگی، بازآفرینی بافت قدیم و پیاده‌مداری در باغ شهر مراغه می‌باشد. نوع تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی-تحلیلی است و از مدل‌های هلدن و آنتروپی شانون بهره گرفته شده است. مقدار آنتروپی در سال ۱۳۹۰، برابر ۱/۸۴ است، و $\ln(n) = 1/94$ می‌باشد و مقدار آنتروپی شانون به $\ln(n)$ نزدیک بوده و نشانگر توسعه فیزیکی، به صورت اسپرال و پراکنده است. از طرفی نتایج حاصل از مدل هلدن، بیانگر رشد افقی شهر بوده و به کاهش تراکم ناخالص جمعیت، افزایش سرانه ناخالص زمین شهری، و نهایتاً منجر به توسعه افقی شهر شده است. گسترش بی‌رویه شهری طی دهه‌های اخیر باعث خروج ساکنان اصلی بافت قدیم و سکونت و گسترش شهر به صورت پراکنده و افقی شده است همچنین به دلیل رشد پراکنده شهری و افزایش مسیرهای دسترسی، استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و خصوصی، افزایش پیدا کرده و دسترسی به خدمات با پای پیاده را با مشکلاتی مواجه کرده است. نتیجه‌ی حاصل بیانگر این مطلب می‌باشد، که شهر مراغه مطابق با اصول نو شهرسازی نمی‌باشد.

کلیدواژگان: نو شهرسازی، پیاده‌مداری، بافت فرسوده، توسعه فشرد، شهر مراغه

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه مراغه، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، (نویسنده مسئول)،

ایمیل: omidmbaraki@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه مراغه، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری

مقدمه

افزایش روز افزون جمعیت در شهرها و استقرار خدمات و تسهیلات مختلف در آن ها، از چالش های اساسی روزگار کنونی است. لذا توجه به ابعاد مختلف توسعه شهری و طرح برنامه توسعه مناسب برای شهرهای امروز اهمیت دو چندان یافته است (شفاعتی، ۱۳۸۹: ۱۰). شهرسازی جدید که با اکولوژی اجتماعی، سرمایه داری اجتماعی، مورفولوژی شهری و جامعه شناسی اجتماعی پیوند خورده است، جنبشی است در شهرسازی و معماری که از طراحی سنتی حمایت کرده و جلوی گسترش افقی شهر را می گیرد و با تعریف کارکرد جدید برای مرکز شهر آن را از حالت انزوا خارج می کند (Charles, 2000: 762). واژه نوشهرگرایی تلاشی برای ارتقای شهرسازی سنتی برای انطباق با زندگی مدرن امروز و پیچیدگی روزافزون اقتصادی است. (واتسون، ۱۳۸۹: ۲۷۵) نظریه نوشهرسازی در زمینه طراحی شهری، به منظور افزایش حرکت عابر پیاده در واحدهای همسایگی آغاز شد و به تدریج در جهت اصلاح جنبه های مختلف در برنامه ریزی شهری و طراحی شهری به رشد خود ادامه داد. هدف نوشهرسازی تغییر شکل در همه جوانب توسعه مکانی و اجتماعی می باشد به طوری که اثرات کار آن ها در منطقه و بخش قابل شناسایی می باشد. آنها در ارتباط با تمامی سطوح برنامه ریزی شهری و منطقه ای و طراحی شهری از نحوه تعیین مکان متروپل تا چگونگی طراحی واحدهای مسکونی صاحب نظر می باشند و الگوهای مناسب خود را ارائه می دهند (Arendt, 1999:46). در حالت کلی نوشهرسازی دیدگاهی شهرسازانه است که بر ایجاد بافت شهری با مشخصه اساسی قابلیت راه پیمایی ساکنین و تأمین مایحتاج و انجام کارهای روزانه زندگی از طریق پیمودن راه به صورت پیاده و دارا بودن مقیاس انسانی تأکید دارد. البته هدف حذف اتومبیل از زندگی روزانه نیست بلکه سعی می شود که پیاده ها، با وجود اتومبیلها در سطح شهر، احساس ایمنی و آسایش، راحتی و رضایت نمایند. لزوم برخورد رو در رو و از نزدیک مردم با یکدیگر در نو- شهرسازی کاملاً مورد توجه قرار می گیرد (www.cityofboise.org).

نوشهرگرایی ایجاد و ترمیم جوامعی با ویژگی های گوناگونی، قابلیت پیاده مداری، فشردگی، تحرک و داری کاربری مختلط، ترکیب شده از همان اجزای توسعه موسوم و شناخته شده، اما جمع شده در یک سبک با اختلاط بیشتر را به شکل جوامع کامل ترویج و تقویت می کند. این اجزا عبارتند از مسکن، محل کار، مراکز خرید، مکان های تفریحی، مدارس، پارک ها و تسهیلات ضروری برای زندگی روزانه ساکنان با مسیرهای پیاده مناسب برای هر کدام. نوشهرگرایی عبارت است از خلق یک زندگی بهتر برای آینده همه. یک حرکت بین المللی برای اصلاح محیط انسان ساخت و ارتقای کیفیت زندگی انسانی و معیارهای زندگی به وسیله ایجاد مکان بهتر برای زندگی نوشهرگرایی عبارت است از تجدید حیات هنر گمشده خلق مکان که ضرورتاً یک نظم دهی دوباره به محیط انسان ساخت برای تبدیل شدن به شهرهای بزرگ، کوچک، روساتاهای و واحدهای همسایگی نیازمند اصول همان راهی است که جوامع گذشته برای قرن ها در سرتاسر جهان از آن استفاده کرده اند (پرتویی، ۱۳۸۵: ۷۶). توسعه شهرنشینی در شهرهای معاصر ایرانی عوارضی در برداشته که همه شهرنشینان و شهرهای ایرانی با آن دست به گریبانند. شهر مراغه نیز، از این قاعده مستثنی نبوده و در سطح شهر بخصوص در محلات تاریخی و مرکز شهر به سبب عدم معاصر سازی کالبد و فعالیت های موجود در آن مشکلاتی را برای ساکنین بوجود آورده است که موجب جابه جایی جمعیت این بافت به قسمت های مدرن شهر شده است. بافت های جدید به سبب عدم برخورداری از مختصات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، به هیچ وجه دارای ماهیت محله نبوده و به شدت به ضعف هویت محله ای دچار هستند. نوشهرسازی سعی در تجدید حیات بافت های شهری از طریق بهره گیری از ویژگی های تاریخی و بومی دارد. علاوه بر آن، در شهر مراغه، با معضلاتی همچون نابسانی توسعه شهری و افزایش استفاده از خودرو مواجه هستیم که در این پژوهش سعی بر آن است که مشکلات شهر مراغه از دیدگاه شهرسازی جدید مورد بررسی قرار بگیرد؛ این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سوالات زیر، می باشد:

- آیا توسعه‌ی شهر مراغه به صورت فشرده و در راستای نوشهرسازی است؟ - وضعیت باز آفرینی بافت فرسوده‌ی مراغه چگونه است؟ آیا در راستای شهرسازی جدید است؟ - آیا در شهر مراغه پیاده‌مداری و دسترسی پیاده (حداکثر ۱۰ دقیقه) به کاربری‌ها وجود دارد؟

پیشینه

تاکنون پژوهش‌های فراوانی در زمینه نوشهرگرایی در ایران و دنیا انجام شده است ولی اکثر این پژوهش‌ها در زمینه تعریف مفاهیم و معیارهای این مکتب بوده است. در زیر بطور خلاصه به چند مورد از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود: - دانش و همکاران (۱۳۸۷) کتاب منشور نوشهرگرایی را ترجمه کردند. این کتاب با آرایه‌ی تصویری از تحولات جهانی و طرح‌ها و انگاره‌های پیش‌بینی شده در سال‌های مختلف، همچنین تکوین ایده‌های نوشهرگرایی و کاربست آنها در نمونه‌های موردی، مجموعه‌ای غنی و کتابی ارزشمند است.

- حسنی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "نوشهرگرایی رویکردی جدید در طراحی و برنامه‌ریزی شهری" ضمن معرفی نوشهرگرایی، به این نتیجه رسیده‌اند که ماهیت و شرایط شکل‌گیری نهضت نوشهرگرایی، به منظور به‌کارگیری در فرایند برنامه‌ریزی و طراحی شهری در راستای دست‌یابی به اهداف شهرسازی پایدار حرکت جدیدی بوده و می‌تواند منجر به پیدایش فضاهای پایدار گردد.

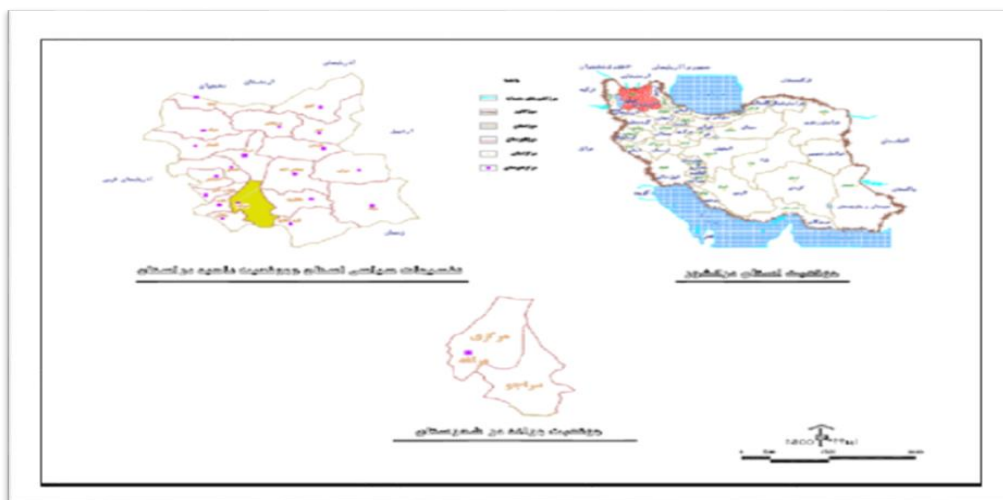
کارس بول (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "نوشهرسازی و شهر" به بررسی برنامه‌ها و پیامدهای نوشهرسازی برای محله‌های درون شهری پریشان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که نوشهرسازی درمان قطعی نیست، ولی اصول طراحی آن با سیاست‌های گسترده تری که با هدف تجدید حیات و بهبود شرایط و فرصت‌های زندگی برای ساکنان درون شهری می‌پردازند، سازگار هستند. در انتها به نظر او نوشهرسازی باید به عنوان یک راهبرد در آرایش بزرگ‌تر از برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و جامعه که تلاششان در جهت تجدید حیات و ارتقا کیفیت زندگی در محله‌های درون شهری است یکپارچه شود.

ادوارد جی جیسون و مری ام ادوارد (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان "توسعه پایدار شهری تا چه حد ممکن است؟" سه رهیافت رشد هوشمند، نوشهرسازی و شهر زیست محیطی را در ارتباط با توسعه پایدار معرفی کرده‌اند و در ادامه براساس یک نظرسنجی ملی از برنامه‌ریزان در آمریکا این موضوع که چگونگی برنامه‌ریزان در آمریکا این سه رهیافت توسعه را در واژگان ۱۴ اصل توسعه پایدار تعریف می‌کنند، مورد سنجش قرار دادند. براساس نتایج این مطالعه، رشد هوشمند اغلب با اصول توسعه پایدار همسان است و همچنین بیشتر درک شده است. در این مطالعه شاخص‌های اختلاط کاربری، تنوع مسکن، معماری سازگار با مکان، فراوانی فضای باز جمعی و پیاده‌مداری به عنوان شاخص‌های معرف رویکرد نوشهرسازی معرفی شده‌اند.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان مراغه در استان آذربایجان شرقی در مشرق دریاچه اورمیه و بر دامنه جنوبی کوه سهند قرار گرفته و از شمال به شهرستان تبریز و ارتفاع کوه‌های سهند با حداکثر ارتفاع ۳۷۱۰ متر و از سمت مشرق به شهرستان هشترود و رشته کوه‌های شرق با حداکثر ۲۵۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا و از جنوب به شهرستان میاندوآب و جلگه کنار دریاچه اورمیه و کوه‌های کم ارتفاع با حداکثر ۱۵۰۰ متر و از غرب به دریاچه اورمیه با ارتفاع تقریبی ۱۲۷۵ متر از سطح دریا محدود است. این شهرستان در فاصله ۴۵ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۳۷ دقیقه طول و ۳۶ درجه ۵۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۳۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده و مساحت آن در حدود ۵۳۸۸ کیلومتر مربع می‌باشد. به لحاظ پستی و بلندی مراغه دارای دو قسمت کوهستانی در شمال و شرق و نواحی پست و جلگه‌ای و غرب و جنوب است (مروارید،

۱۳۷۲، ۲). شهرستان مراغه براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، دارای ۲۴۷ هزار و ۶۸۱ نفر که ۱۶۳ هزار و ۸۵۹ نفر در شهر مراغه ساکن هستند (مرکز آمار ایران). این شهر به لحاظ ساختاری، تقریباً شطرنجی است و بافت قدیمی، تقریباً ارگانیک می باشد. هم اکنون شهر مراغه دارای ۲۶ محله و ۷ ناحیه می باشد.



شکل ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی شهر مراغه در کشور و استان

روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات از منابع، اسناد معتبر و سرشماری ها و طرح جامع و تفصیلی شهر مراغه بوده و از مدل های آنتروپی شانون و هلدرن استفاده شده است. ضمناً برای ترسیم نقشه ها از نرم افزار GIS استفاده شده است.

تجزیه تحلیل و یافته ها

مدل هلدرن

یکی از روش های اساسی، برای مشخص ساختن رشد بی قواره ی شهری، استفاده از روش هلدرن است. جان هلدرن در سال ۱۹۹۱، روشی را برای تعیین نسبت رشد افقی شهر و رشد جمعیت به کار برد. با استفاده از این روش، می توان، مشخص نمود چه مقدار از رشد شهر، ناشی از رشد جمعیت، و چه مقدار، ناشی از رشد بی قواره ی شهری بوده است. وی در این روش از فرمول سرانه ناخالص زمین، استفاده کرده است (مبارکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵-۸۸) در مورد شهر مراغه، متغیرهای مدل هلدرن بدین شرح جایگذاری می شود:

$$\text{Ln} = \left(\frac{\text{جمعیت پایان دوره}}{\text{جمعیت آغاز دوره}} \right) + \text{Ln} \left(\frac{\text{سرانه ناخالص پایان دوره}}{\text{سرانه ناخالص آغاز دوره}} \right) = \text{Ln} \left(\frac{\text{وسعت شهر در پایان دوره}}{\text{وسعت شهر در آغاز دوره}} \right)$$

$$\text{Ln} = \left(\frac{۱۶۳۸۵۹}{۱۰۰۶۷۹} \right) + \text{Ln} \left(\frac{۱۴۷}{۹۲} \right) = \text{Ln} \left(\frac{۲۰۶۰۰۰}{۱۰۰۰۰۰} \right)$$

$$/۶۱ + /۳۹ = ۱$$

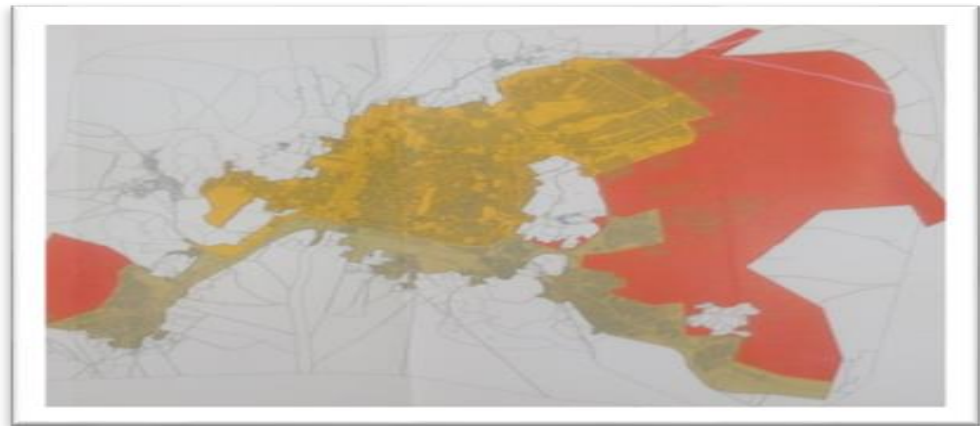
نتایج حاصل از مدل هلدردن نشان می‌دهد، در فاصله‌ی سال‌های (۶۵-۹۰) حدود ۳۹ درصد از رشد فیزیکی شهر، مربوط به رشد جمعیت و ۶۱ درصد رشد شهر مربوط به رشد افقی و اسپرال شهری بوده است، که به کاهش تراکم ناخالص جمعیت و افزایش سرانه ناخالص زمین شهری، و نهایتاً منجر به توسعه افقی بدقواره شهر مراغه شده است. شهر مراغه در تاریخ شهرسازی بیش از دو هزاره ساله اش، بافت منسجم و فشرده داشته است. در بیست سال اخیر، بر وسعت آن افزوده شده است. شروع گسترش این شهر، از زمان اصلاحات شهری بوده است؛ اما رشد شتابان آن، مربوط به تهیه اولین طرح جامع، سال ۱۳۶۸، است. به طوری که، در فاصله‌های سال ۹۰-۶۵ وسعت شهر تقریباً $3/28$ برابر شده است.

مدل آنتروپی شانون

از این مدل برای تجزیه و تحلیل مقدار پدیده‌ی رشد بی‌قواره شهری، استفاده می‌گردد. مقدار آنتروپی در سال ۱۳۹۰، برابر $1/84$ است، و $Ln(n=1/94)$ می‌باشد و مقدار آنتروپی شانون به $1/94$ نزدیک بوده و نشانگر توسعه‌ی فیزیکی، به صورت پراکنده و غیر متراکم است.

بافت فرسوده مراغه

شهر مراغه دارای بافت تاریخی، به مساحت $16/12$ هکتار (مصوب کمیسیون ماده ۵ مورخ $84/11/12$)، بافت فرسوده میانی به مساحت $198/69$ هکتار (مصوب کمیسیون ماده ۵ مورخ $84/11/12$) و محدوده بافت فرسوده میانی الحاقی به مساحت $30/7$ هکتار (مصوب کمیسیون ماده ۵ مورخ $93/3/18$) و محدوده بافت فرسوده حاشیه‌ای $89/14$ هکتار (مصوب کمیسیون ماده ۵ مورخ $84/11/12$) می‌باشد. هم‌پوشانی بافت فرسوده و بافت ارزشمند تاریخی، از موضوعات قابل توجه در ساماندهی و نوسازی بافت‌های فرسوده می‌باشد که در نقشه زیر، محدوده مورد مطالعه نشان داده شده است:



شکل ۲: نقشه بافت فرسوده شهر مراغه

مساحت کل بافت فرسوده مصوب مراغه، 334.64 هکتار، می‌باشد که جمعیت محدوده در سال ۱۳۸۵، برابر 36706 نفر و در سال ۱۳۹۰، برابر 35459 نفر، می‌باشد. بافت فرسوده مراغه، دارای ۸ محله، می‌باشد که جمعیت هر محله در جدول زیر برآورد شده است:

کیفیت ابنیه در محدوده بافت فرسوده شهر مراغه

ساختمان های محدوده بافت فرسوده، از لحاظ کیفیت ابنیه، در چهار دسته نوساز، مناسب و قابل نگهداری، تعمیری و تخریبی طبقه بندی می شوند. بالا بودن درصد ساختمان های تخریبی، در محدوده، حاکی از فرسودگی بافت، می باشد.

نوع مصالح در بافت های فرسوده شهر مراغه

مصالح به کار گرفته شده، در بافت فرسوده شهر، آجر و آهن، بتن و آرمه، سنگ و سایر مصالح می باشد.

عمر ساختمان ها در بافت فرسوده شهر مراغه

از مجموع ساختمان ها و بناهای موجود، در بافت فرسوده، تعداد ۸۵۵۴ تا، بیشتر از ۳۰ سال عمر دارند که، با توجه به نوع مصالح و نکات فنی، فرسودگی در آنها، غالب است.

مجموعه بافت شهری در بخش مرکزی شهر، شامل یک بافت فشرده و ارگانیک می باشد که بیشتر منطبق با خصایص اقلیمی شکل یافته است. این بافت فشرده امکان کمتر نمودن تبادل حرارتی میان فضاهای درونی ابنیه و خارج از آن را فراهم می آورد و نیز به حفظ هوای گرم در داخل ساختمان ها کمک می نماید. از دیگر سو فرم پیچ در پیچ معابر از به وجود آمدن جریان های سوزآور در ایام سرد سال جلوگیری می نماید. فرم شیبدار ابنیه نیز در مقابل بارش ها در این منطقه نوع مطلوب بام می باشد. ساکنین محدوده بافت فرسوده، از لحاظ سطح درآمد و توان اقتصادی در سطح نسبتاً پایینی قرار دارند که سبب عدم تمایل ساکنین به نوسازی و یا در مواقعی شکل گیری ساخت وسازهای غیراصولی و ناپایدار شده است. از جهت دیگر، توان پایین اقتصادی دنبال خود، افزارهای نامناسب و شکل قطعات نامشخصی را ایجاد نموده است که عمدتاً به دلیل جدا نمودن یک واحد مسکونی با دسترسی مستقل و واگذاری آن به شکل استیجاری به افراد و بهره مندی از مزایای مالی آن می باشد که این مسئله خود نه تنها باعث ناهنجاری نظام تکفیک قطعات و استقرار ابنیه در بافت می شود، بلکه باعث کم رنگ شدن حس تعلق به مکان و تمایل به مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت می گردد. در کل بافت فرسوده در شهر مراغه، دارای مشکلات جدی بوده که نیازمند رسیدگی و توجه مسئولان می باشد.

بررسی مهمترین پروژه های در حال اجرا در خصوص ساماندهی بافت فرسوده شهر مراغه

با توجه به گستردگی دامنه اقدامات در محدوده بافت فرسوده شهر مراغه، امکان مداخله فوری و عاجل در تمامی قسمت های بافت از لحاظ زمانی و هزینه وجود ندارد. لذا در این قسمت از شهر، با در نظر داشتن شدت فرسودگی بافت و اولویت های مداخله، نیاز به نوسازی، تحقق پذیری، ایجاد تحرک و رغبت برای نوسازی، داشتن بیشترین میزان تاثیر در بهبود وضعیت مناطق همجوار، پاسخگویی به نیازهای محلی، وجود پتانسیل های فعالیت و کاربری، الگو سازی برای نوسازی بافت، میزان حساسیت به نوسازی، قرار داشتن در نقاط کلیدی و مهم... اقدام به تعریف پروژه های نوسازی و بهسازی شهر مراغه، شده است.

پروژه ۱

این پروژه در بخش شمالی محله شماره یک قرار دارد و شامل ۳۶ پلاک، با کاربری مسکونی در وضع موجود می باشد که مساحتی بالغ بر، ۴۰۰۰ متر مربع را، شامل می شود. هدف از تعریف این پروژه تحرک نوسازی در محدوده های بافت از طریق الگوهای تجمیعی مسکونی و ایجاد دسترسی ها، برای پلاک های درون بافت می باشد.



شکل ۳: موقعیت پروژه ۱

پروژه ۲

این پروژه، با برداشتن ۶۸ پلاک و مساحتی در حدود ۲/۲ هکتار، به عنوان یک پتانسیل، برای طراحی و اجرای یک پروژه شهری در محدوده برج های تاریخی شهر مراغه، می باشد. در این پروژه اهداف استفاده از موقعیت خاص محدوده، در راستای ارتقا هویت تاریخی و کالبدی بافت در کنار تزریق سرزندگی و حیات شهری، بر آن می باشد.



شکل ۴: موقعیت پروژه ۲

پروژه ۳

اجرای پروژه عظیم جام جم و ایجاد مراکز بزرگ در محدوده بافت فرسوده شهر، جایگاه و موقعیت خاصی را به این نقطه، از شهر داده است. پروژه جام جم، در محدوده بازار قدیمی، واقع شده است. این بلوار در ابعاد طولی ۵۸۰ متر و عرضی ۱۲۰ متر، شامل عناصری چون ساختمان اداری و تجاری، مجتمع تجاری مدرن، برج مسکونی، مجموعه مسکونی، هتل، فضای سبز، مجموعه ورزشی، کلینیک، بازارچه سنتی،... می باشد. پروژه جام جم، از مهمترین سرمایه گذاری های موجود، در بافت فرسوده شهر مراغه، می باشد که نقش عظیمی در برهم زدن نظم بافت کالبدی و سنتی شهر، می باشد.



شکل ۵: پروژه جام جم

در واقع اقداماتی جدی در بهسازی و توانمندسازی بافت فرسوده، صورت گرفته است که، با اعمال معیارها و عناصر نو شهرسازی، می توان با حفظ کالبد سنتی در راستای همسویی با مدرنیته و تکنولوژی گام برداشت.

پیاده مداری

در نظریه شهرسازی جدید، به پیاده (دسترسی پیاده حداکثر ۱۰ دقیقه) توجه خاصی شده و سعی بر این است که، عابر پیاده، دسترسی مناسب و ایمن به فضاها و مراکز عمده را داشته باشد. به بیانی دیگر، توجه به مقیاس پیاده و انسانی، از جمله اهداف نو شهرسازی می باشد. این جنبش، مخالف خودرو نیست، بلکه در پی توسعه اجتماعی، توسعه سامانه های حمل و نقل و کوتاه کردن سفرهای درون شهری از طریق گزینه های مختلف است. وضعیت شبکه دسترسی سواره و پیاده در شهر مراغه، علی الخصوص در قسمت مرکزی آن، به دلیل تراکم بالای بناهای موجود، جوابگوی سبیل جمعیتی، به این قسمت شهری نیست. وجود بازار و تک مرکزی بودن شهر، باعث تحمل بار جمعیتی زیادی، در این محدوده شده است. در ساعات پرتردد روز، حرکت در قسمت مرکزی شهر، بخصوص بازار، به کندی صورت می گیرد. عرض معابر موجود نیز به گونه ای است که حرکت سواره، با مشکلات عدیده ای روبه رو است. این وضعیت با تداخل حرکت سواره و پیاده، مضاعف شده است. عدم تفکیک سواره و پیاده، عدم پیش بینی پارکینگ و نامناسب بودن مسیرهای عبوری، که به عنوان شریان اصلی، در استخوان بندی شهر محسوب می شوند. در واقع به دلیل عدم اختلاط کاربری ها و تک مرکزی بودن شهر، هجوم افراد مختلف به قسمت مرکزی شهر، می شود که نشانگر عدم وجود پیاده مداری، در این شهر است.

باتوجه به بررسی های صورت گرفته در خصوص شبکه های ارتباطی موجود شهر مراغه، مشکلات و تنگناهای موجود نظام آمدو شد شهری را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

۱-عدم وجود یک شبکه بهم پیوسته بصورت کمربندی داخلی در قسمت میانی جهت تامین رفت و آمد سریع بین مناطق شهر بدون عبور از نواحی مرکزی ۲-عرض کم اکثر خیابانهای مرکزی نظیر امام خمینی، طالقانی، خواجه نصیر و قدس که نقش جابه جایی را بر عهده دارند. ۳-تمرکز بیش از حد فعالیتهای تجاری-خدماتی و اداری در محدوده مرکزی شهر. ۴-عدم طراحی صحیح تقاطعها و میداين با تامین مسیرهای جداگانه گردش به راست. ۵-فقدان باند مخصوص گردش به چپ در تقاطع ها و محل مناسب و ایمن در محل های دور زدن. ۶-عدم وجود پارکینگ مناسب و کافی در نقاط مرکزی شهر. ۷-عدم ایمنی کافی برای عابرين در تقاطع. ۸-مجزا نبودن مسیرهای پیاده و سواره در اکثر معابر محلی یا جمع کننده و پخش کننده فرعی. ۹-محدودیت عرض معابر پیاده و اشغال آنها بوسیله کسبه و

بساط داران و انحراف حرکت عابران پیاده به مسیرهای سواره رو. ۱۰- اشغال تعدادی از خطوط محدود عبور گذرگاههای سواره بوسیله پارکینگ غیر مجاز خیابانی به دلیل عدم احداث پارکینگ و توقفگاههای خارج از حریم گذرگاهها. ۱۱- نبود ایستگاه تاکسی و مینی بوس و اتوبوس در خارج از خط عبورکه به اشغال خطوط محدود عبور در پیاده و سوار کردن مسافر بویژه در نواحی مرکزی شهر. ۱۲- عدم رعایت سلسله مراتب شبکه شهری و کوتاه بودن فاصله بین تقاطعها. ۱۳- عدم رعایت ضوابط فنی به هنگام تفکیک زمین و دادن مجوز دسترسی مستقیم پلاکهای برخیا بانهایی که بایستی نقش حرکتی داشته باشند. ۱۴- وجود آلودگی و خدمات غیرضروری در مراکز شهر به دلیل ادامه سلطه انحصاری مجموعه های اداری و تجاری موجود در این منطقه. ۱۵- عدم وجود پایانه های مسافری و باربری مناسب در مکانهای مناسب. ۱۶- عدم رعایت قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی از طرف رانندگان و عابرین پیاده. ۱۷- کیفیت نامناسب روسازی بعضی از گذرگاهها. مسائل ذکر شده و دهها مسائل و مشکلات موجود دیگر، همگی حاکی از مشکلات عدیده ی ترافیکی و عبور و مرور در شهر مراغه می باشد و بیانگر عدم وجود پیاده مداری و انطباق با ضوابط شهرسازی جدید می باشد.

نتیجه گیری

بسیاری از بافت های سنتی که زمانی مایه افتخار و مباهات شهری بوده اند، در حال حاضر در معرض تخریب و فرسایش قرار گرفته اند. بخشی مهمی از جمعیت این مناطق جابه جا شده اند و میراث قدیمی، تاریخی، فرهنگی این بافت از بین رفته یا در حال تخریب می باشد؛ مراغه نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بافت قدیمی شهر، در حال تخریب می باشد. نوشهرسازی به حمایت از راهبردهای طراحی بر پایه فرم های شهری سنتی می پردازد. در واقع، این جنبش حرفه ای به دنبال طراحی و توسعه محله ای است فشرده، کوچک مقیاس، دارای اختلاط کاربری و پیاده محور. در این مقاله، سعی بر این شده است تا شهر مراغه به لحاظ اصول نوشهرسازی با تأکید بر فشرده‌گی، بازآفرینی و پیاده روی مورد بررسی قرار گرفته و نوع توسعه ی شهری با استفاده از مدل های آنتروپی شانون و هلدرن مشخص شود. مقدار آنتروپی در سال ۱۳۹۰، برابر ۱/۸۴ است، و $Ln n = 1/94$ می باشد و مقدار آنتروپی شانون به ۱/۹۴ نزدیک بوده و نشانگر توسعه ی فیزیکی، به صورت پراکنده و غیر متراکم است. از طرفی نتایج حاصل از مدل هلدرن، بیانگر رشد افقی شهر بوده و به کاهش تراکم ناخالص جمعیت، افزایش سرانه ناخالص زمین شهری، و نهایتاً منجر به توسعه افقی شهر شده است. بنابراین شهر مراغه که در تاریخ شهرسازی دوهزار ساله خود بافتی منسجم و فشرده داشته است. در بیست سال اخیر وسعت زیادی یافته است که با توجه به رشد جمعیتی و مساحت شهر مراغه در دهه های اخیر و نیز استفاده از مدل های هلدرن و آنتروپی شانون نشان می دهد گسترش بی رویه شهری طی دهه های اخیر باعث خروج ساکنان اصلی بافت قدیم و سکونت و گسترش شهر به صورت پراکنده و افقی شده است. ادامه روند کنونی مخالف اصول نوشهرسازی بوده و شهر را در آینده نه چندان دور با بحران هایی در عرصه شهرنشینی مواجه خواهد کرد. همچنین به دلیل رشد پراکنده شهری و افزایش مسیرهای دسترسی، استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و خصوصی، افزایش پیدا کرده و دسترسی پیاده را با مشکلاتی مواجه کرده است. بنابراین در شهر مراغه، اقدامات اساسی نیازمند است تا این شهر تاریخی، بتواند خود را به معیارهای نوشهرسازی نزدیک کند از جمله این اقدامات بهسازی و توانمند سازی بافت قدیمی و فرسوده شهری است. توجه به مرکز و بافت های فرسوده باعث افزایش تراکم در این قسمت شهر شده و مشکل توسعه افقی شهر را تا حدودی حل می کند؛ که خود نیز باعث بروز مشکلات جدی در ترافیک و آلودگی های صوتی و هوا خواهد شد که نیازمند اقدامات جدی در همه زمینه ها خواهد بود.

منابع

- ۱-آرندت، رندل و دیگران، (۱۳۸۷)، منشور نو شهرسازی. مترجمین: رضا بصیری مژدهی و علیرضا دانش. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری تهران.
- ۲-اصغرزاده یزدی، سارا، (۱۳۸۹)، اصول پیشنهادی نو شهرگرایی در برنامه ریزی محله های شهری. مجله مسکن و محیط روستا.
- ۳-پرتویی، پروین؛ معصومی، هوشمند، (۱۳۸۵)، مبانی و اصول جنبش نو شهرسازی. ماهنامه عمران و معماری. شماره ۱۸.
- ۴-پوراحمد، مسعود؛ کلاتری، مسعود، (۱۳۸۵)، برنامه ریزی مرمت بافت تاریخی شهرها. انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۵-جیکویز، جین، (۱۳۸۶)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی ترجمه: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی. انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۶-حاجی پور، خلیل؛ کتابچی، عماد و حسین پور، محمد، (۱۳۹۱)، شهرسازی نوین راهی به سوی ایجاد محلات پایدار. ماهنامه منظر.
- ۷-حسین زاده دلیر، کریم؛ آذر، علی، (۱۳۸۵)، جایگاه شهرسازی جدید در توسعه پایدار شهری. مجموعه مقالات همایش محیط زیست و توسعه پایدار شهری.
- ۸-حسین زاده دلیر، کریم؛ آذر، علی، (۱۳۸۷)، ساماندهی و بهسازی محلات سنتی با استفاده از رویکرد نو شهرسازی جدید (نمونه موردی محله سرخاب تبریز). دوفصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای.
- ۹-حکمت نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف، (۱۳۸۵)، ارزیابی شاخص های پایداری در نواحی شهر یزد، نجف آباد. مجموعه مقالات همایش جغرافیا و قرن ۲۱. دانشگاه آزاد نجف آباد.
- ۱۰-رفیعیان، مجتبی؛ خرمگاه، شیوا؛ اسماعیلی، علی، (۱۳۸۹)، بازآفرینی شهری و رویکرد ایجاد و توسعه محلات سنتی شهری (TND) سازمان نو سازی شهری تهران نشریه اینترنتی نو سازی. سال دوم. شماره ۸. خرداد.
- ۱۱-سایت رسمی شهرسازی نوین
- ۱۲-سلطانزاده، حسین، (۱۳۷۲)، فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران. دفتر پژوهشهای فرهنگی با همکاری شهرداری تهران. چاپ دوم.
- ۱۳-سلطانزاده، حسین (۱۳۶۵). مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. انتشارات موسسه امیر کبیر
- ۱۴-شفاعتی، آرزو، (۱۳۸۹)، توسعه ی میان افزا، به سوی راهبرد توسعه ی مطلوب شهری (نمونه موردی: محور تاریخی فرهنگی کلان شهر تبریز). پورمحمدی، محمدرضا؛ دانشگاه تبریز، پایان نامه مقطع ارشد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشکده علوم انسانی.
- ۱۵-طرح توسعه و عمران شهر مراغه، ۱۳۸۵
- ۱۶-فرید، یدان، (۱۳۷۳)، جغرافیا و شهر شناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ سوم.
- ۱۷-قربانی، رسول؛ جعفری، فیروز؛ معبودی، محمدتقی؛ حسین آبادی، سعید، (۱۳۹۳)، نگرشی بر الگوهای نوین آمایش شهری. انتشارات فروزش. چاپ اول.
- ۱۸-لطفی، صدیقه؛ منوچهری میاندوآب، ایوب؛ آهار، حسن، (۱۳۹۲)، نشریه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی شهری (دانشکده جغرافیا) سال ۱۷، شماره ۴۳.

- ۱۹- مبارکی، امید؛ عبدلی، اصغر، (۱۳۹۲)، تحلیل سلسله مراتبی مناطق شهر ارومیه بر پایه شاخص های توسعه پایدار شهری. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. سال ۱۳، شماره ۳۰.
- ۲۰- مثنوی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، هزاره جدید و پارادایم جدید شهری، در کتاب شکل پایدار شهری. ترجمه و آراز مرادی مسیحی. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۲۱- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵-۱۳۳۵)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن شهرستان مراغه.
- ۲۲- مروارید، یونس، (۱۳۷۲)، مراغه افزاره رود، انتشارات علمی. ویرایش دوم. چاپ دوم، تهران.
- ۲۳- مدنی پور، علی، (۱۳۸۷)، فضای عمومی و خصوصی شهر. ترجمه فرشاد نوریان. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری. چاپ اول، تهران.
- ۲۴- معینی، محمدمهدی، (۱۳۸۵)، افزایش قابلیت پیاده مداری. گامی به سوی شهر انسانی تر. هنرهای زیبا.
- ۲۵- واتسون، دونالد؛ آلن ج. پلاتوس و رابرت جی شیلی، (۱۳۸۹)، مجموعه استانداردهای طراحی شهری. مترجم؛ کیانوش ذاکر حقیقی. انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران. چاپ اول، تهران.
- 26-Anselin, L (1995). Spacestate state version 1. 80 Users Guide University of Illinois. Urban Champaignh , IL.
- 27-Arendt , Randall(1999). Charterof The New Urbanism , Congress for The New Urban.
- Aurbach , Laurence(2005). TND designe rating. version 2. 2.
- Blasingame Custerr. J , Spring(2007). New Urbanism of Georgia School of Law.
- 28-Barton , Huge , etal(2005). Shaping Neighbourhood. A guide for health. sutainablility and vitality SponPress. London and New York.
- 29-Bothwell , Stephanie, Raymond Gindroz and Robert E. Lang((1998). Restoring Community through Traditional NeighborhoodDesign : ACase Study of Diggs Town Public Housing. Housing Policy Debate. Volume 9,Issue 1.
- 30-Calthrope , P & Fulton , W(2001). The Regional city : planning for the end of sprawl Washington. DC : Island press.
- 31-Charles , Bohl(2000). New Urbanism and the City : Potential Applicattion and Implications for Distressed Inner-City Neighborhoods. Housing Policy Ddebate Volume 11. Issue 4 , P761-800.
- 32-Dutton , J. A(2000). New American Urbanism : re-Forming the Suburban Metropolis , Milano ,Italy : Skira editore.
- 33-Edward , J. Jepson, Jr. Mary,M. Edwards(2010). How Possible is Sustainable Urban Development ? An Analysis of planners Perceptions about New Urbanism , Smart Growth and the Ecological. Planning Practice & Research. 25.
- 34-Elshater , A(2012). New urbanism principles versus urban design dimensions towards behavior performance efficiency in Egyptian neighbourhood unit. Procedia-Social and Behavioral Sciences..
- 35-Katz , P(2001) The New Urbanism : Toward architecture of community. New York : McGraw-Hill Professional..
- 36-Rendal , E(1999). Charter of the New Urbanism , Congressof New Urbanism. Real Estate Literature.
- 37-Www. cityofboise. org
- 38-www. udro. org. ir